

از یاد مستحق خود در جزایر یاد و وجد و طرب دی لای
 مازاید **رباعی** ویرانم از ذکر مرآه شود و زیند
 بلا و حجت از او شود هر چند نداندش هیچی بشود
 نامش ز جماع نام او شود و شود **شاید** که مرادش
 ناظم قدس است آن بود باشد که چون طیب در یاد بدست
 فطرت با ت محبت نشسته اند و در زمین استعدا و طیب
 او حتم عشق و هودت گشته هر گاه بک عبارت و بار
 اشارت هر از سر از محبت با بر مر از زور عشق و موت
 بشود هر آینه هر صلح و صلح او متذکر شود اگر جز
 لب بیخات صورتی و معنوی از آن سر غافل بوده باشد
 و بوی طبعات دینی و دنیوی از آن معنی ذاهل **رباعی**
 هر کس که از آن حسن برون زانمازه در شهر وجودش
 آوژه صد در و قدیم در و دم نو کرد و صدای کس
 جگر من نازده **وقال قدس** **و او شربت** **از کله او نماند**
شربت انی **ترک نشدنی** **انام** **الحم** **ذنب** **و قدسی** **طرب**
 الذنب

انما قال شربت انام حتی نزل عقی که در انهم بذبت بالقول
میگوید گفتند قاهران از انهم تا در ضمن صورت معجزان
 از ادراکی جفاقی در لبک مجاز که مراد بان مدانه که در صید
 قضیه بشراب ان اقرار کردی و در سایر بیات از
 خواص و نامرآن اخبار موفور حیرت که در لغت از ان
 با هم تقیر نمایند و در شریعت شارب آنرا با هم تقیر کنند
 بغیر شارب صوری و حمزه مگوری که شرب آن بیخه صلاک
 و شارب ان سخن خنداب و نکال تس روع و منع ان جسم
 میکند که کلا و جاشا که من هرگز از ان مزه شارب نامان
 و از انم مره شارب ارجم محبت نوشیده ام و در یاد
 بشراب ان کوشیده ام ترک این شارب نیز در کس امکان است
 و نازک شرب ان در از شرب هو شمشان **اگاه رباعی**
 جز در رخشنی رخ بردن گفته است جز شارب معنانه
 سپردن که است **بگفت** که است با ده حوزون جاشا
 در مذبت با ده کوفرون که است **فان** **و کس** **اینان** **اراک**

Copyright © King Fahd University